

Environmental Philosophy with Emphasis on the Teachings of the Holy Quran

Abolhassan Ghaffari¹

Abstract

This article, using the method of rational analysis and with regard to the teachings of the Quran, seeks to introduce a paradigm derived from Islamic wisdom about the environment. The findings of the article show: First, nature and the environment are the act and sign of God, therefore they are sacred. Second, a significant part of the creatures of the environment, namely plants, animals and humans, have degrees and ranks of abstraction, and the abstract creature enjoys a superior position in the existential hierarchy and has a superior existential dignity. Therefore, in addition to the intrinsic value of the environment, we should also talk about the sacred and divine value of the environment. Second, in interacting with the environment, humans are faced with creatures with perception and consciousness, and their interaction is elevated from the level of interaction with material and physical objects to interaction with a creature that is a sign of God. Thirdly, in the Ayat and Qudsi view of the environment, man is not originally the owner of nature and the environment, nor does he have the sovereignty and domination of the subject over the object, but rather he is the trustee and protector of nature and the environment, and his actions in nature and the environment are defined in the light of reason and the laws of the owner of nature. This type of attitude towards the environment, which is applied by preserving its intrinsic value and existential dignity, has a significant impact on the path to human perfection; accordingly, any type of occupation and interference of human factors in the environment that is carried out outside the planning and ruling of reason and Sharia, contradicts the Qodsi and Ayat view of the environment.

Keywords: Environment, nature, Quran, glorification of beings, holiness, verse.

1. Associate Professor at the Institute of Rahpooyan Sayyed al-Shohada (as)
Email: Dr.ghafari.ah@gmail.com

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

فلسفه محیط زیست با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم

ابوالحسن غفاری^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۴/۵)

چکیده

این مقاله با روش تحلیل عقلی و با عنایت به آموزه‌های قرآنی در صدد معرفی پارادایم متخذ از حکمت اسلامی درباره محیط زیست است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد: اولاً طبیعت و محیط زیست فعل و آیت خداوند است، از این رو از تقدس برخوردار است، ثانیاً بخش قابل توجه موجودات محیط زیست یعنی گیاهان، حیوانات و انسان، از درجات و مراتب تجرد برخوردارند و موجود مجرد در سلسله وجودی از جایگاه برتری برخوردار بوده و شأن وجودی برتری دارد، لذا علاوه بر ارزش ذاتی محیط زیست باید از ارزش قدسی و الهی محیط زیست نیز سخن گفت. ثانیاً انسان در تعامل با محیط زیست با موجودات دارای ادراک و شعور مواجه است و تعامل او از حد تعامل با ابژه مادی و فیزیکی به تعامل با موجودی که آیت پروردگار است، ارتقاء می‌یابد. ثالثاً در نگرش آیتی و قدسی به محیط زیست، انسان اصالتاً نه مالک طبیعت و محیط زیست است و نه سلطنت و استیلا از نوع استیلائی سوژه بر ابژه را دارد، بلکه به مثابه امین و حافظ طبیعت و محیط زیست بوده و تصرفات او در طبیعت و محیط زیست در محور عقل و قوانین صاحب طبیعت تعریف می‌شود. این نوع نگرش به محیط زیست که با حفظ ارزش ذاتی و شرافت وجودی آن اعمال می‌شود در مسیر استكمال انسان تأثیر بسزایی دارد؛ بر این اساس هر نوع تصرف و دخالت عوامل انسانی در محیط زیست که خارج از تدبیر و حکم عقل و شرع انجام شود، با نگاه قدسی و آیتی به محیط زیست منافات دارد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، طبیعت، قرآن، تسبیح موجودات، قداست، آیت.

۱. دانشیار مؤسسه آموزش عالی رهبویان سیدالشهداء

رایانامه: Dr.gafari.ah@gmail.com

مقدمه

الف) مطالعات محیط زیست اهداف ارزشمندی را دنبال می‌کند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به افزایش درک و آگاهی از اینکه چگونه جهان به عنوان یک سیستم زیستی فیزیکی کار می‌کند، اشاره کرد؛ همچنین این مسئله باعث افزایش آگاهی از نشانه‌های حیاتی زمین و تسریع توانایی مطالعه کنندگان برای درک طبیعت و محیط زیست است؛ علاوه بر این درک عوامل مختلف تأثیرگذار بر طبیعت و محیط زیست مانند عوامل تاریخی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و مذهبی است که در شکل‌دهی به دنیای ما نقش به سزایی دارند. هدف دیگر معرفی چارچوب زیست‌محیطی است که به سبب آن بتوان به تفسیر طبیعت و محیط زیست رسید تا افرادی را که دانش مراقبت و شایستگی لازم برای حفظ محیط زیست را به نحو احسن دارند تربیت کرد و زمینه‌های مطالعات زیست‌محیطی را برای محققان جهت بررسی ارتباط بین مسائل زیست‌محیطی و سنت‌های مختلف مذهبی و فلسفی هموار نمود.

ب) مسئله محیط زیست را می‌توان با رویکردهای گوناگون مورد بررسی و مطالعه قرار داد و از رویکردهای اخلاقی، انسانی، حقوقی سخن گفت، یکی از رویکردهای مهم تحلیل و بررسی محیط زیست و بحث از فلسفه آن با رویکرد قرآنی است. آیات زیادی را در قرآن کریم می‌توان سراغ گرفت که علاوه بر نگرش هستی‌شناسانه به نگاه معرفتی و انسانی و از همه مهم‌تر به نگاه آیه‌ای و قدسی نسبت به محیط زیست اشاره دارد. بحث از این رویکرد یکی از مباحث مهم در فلسفه محیط زیست به شمار می‌رود و آن را می‌توان یکی از راه‌کارهای برون‌رفت از بحران محیط زیست تلقی کرد. با مراجعه به آیات قرآن می‌توان به وضوح با وجهه قدسی و معنوی محیط زیست آشنا شد و در نتیجه با پارادایمی جدید به تحلیل محیط زیست پرداخت. در این پارادایم روشن می‌شود که محیط زیست آیتی از آیات الهی و امری قدسی و برخوردار از درجاتی از تجرد و روحانیت بوده و ابژه فیزیکی خالص نیست؛ بلکه علاوه بر اینکه فعل و فیض خداوند متعال است از آن جهت وجه و سویه قدسی و

متافیزیکی دارد و از مبادی فیاض و ملکوتی صادر شده است و از جهت دیگر سویه فیزیکی داشته و در نشئات وجودی نشئه طبیعت نام دارد؛ بدون تردید حل معضلات زیست محیطی در گرو تغییر نوع نگاه انسان به محیط زیست و جانداران موجود آن و توجه به وجهه قدسی طبیعت و محیط زیست است.

۱. چیستی محیط زیست

درباره محیط زیست نگرش‌های متفاوتی وجود دارد و همین تفاوت نگرش‌ها باعث شده که دانشمندان نتوانند تعریف واحدی را از آن بیان کنند؛ بدین جهت تعاریف متعددی از محیط زیست به عمل آمده است که گوناگونی آن به تفاوت در نگرش‌ها به طبیعت و محیط زیست برمی‌گردد. به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود:

الف. محیط زیست مجموعه عوامل فیزیکی، شیمیایی و زنده‌ای هستند که بر ارگانیسم یا اکوسیستمی تأثیرگذارند (حجار لیب، ۱۳۹۶، ۲۲) این تعریف بیشتر زمینه اکولوژیکی و بیولوژیکی محیط زیست را مد نظر قرار داده است.

ب. برخی در معرفی محیط زیست بر مفهوم مکان عمومی^۱ توجه کرده‌اند. محیط زیست و طبیعت در این معنا مفهومی محدودتر از «طبیعت وحشی» دارد؛ زیرا محیط زیست^۲ در لغت معنای احاطه یا دربرگرفتن را در خود دارد؛ «محیط» به معنای آن چیزی است که ما را در برمی‌گیرد؛ از این رو محیط زیست باید به عنوان زمینه کلی فیزیکی و احساسی که ما در آن واقع شده‌ایم، درک شود؛ بنابراین بسته به اینکه چه کسی هستیم و کجا هستیم و در چه فرهنگی زندگی می‌کنیم و چه چیزی ما را در بر گرفته است، محیط‌ها از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت خواهد بود. (بکمن، ۲۰۱۷م، ۵-۷).

-
1. Common Place
 2. Environment

ج. محیط زیست فضایی با شرایط فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... است که تمام موجوداتی را که در آن زندگی می‌کنند، در بر دارد و نیز مجموعه‌ای از روابط بین آنها را شامل می‌شود. (اعجازی، ۱۳۷۸، ۲۹)

د. از دیدگاه اسلامی می‌توان محیط زیست را در قلمروی وسیع‌تر از آنچه گفته شد، مطرح نمود؛ بر این اساس محیط زیست شامل موجودات عالم طبیعت و ماورای طبیعت مانند فرشتگان مدبر عالم طبیعت نیز می‌شود؛ بنابراین محیط زیست شامل موجودات محسوس و مرئی مانند نباتات و حیوانات و موجودات نامرئی مانند فرشتگان و اجنه نیز می‌گردد. (ر.ک: محقق داماد، ۱۳۹۳، ۹۴)

۲. تحلیل تعاریف

تعریف اول و سوم تفاوت ماهوی زیادی با همدیگر ندارند، جز اینکه عناصری که در تعریف سوم به کار رفته است، گسترده‌تر است. تعریف سوم به دلیل تأکید بر واژه محیط و مسئله ارتباط انسان اولاً حیطه و شمول محیط را محدودتر از طبیعت دانسته است؛ ثانیاً در مسئله محیط زیست بر «محیط زیست طبیعی» تأکید دارد نه محیط مصنوعی و ساختگی؛ ثالثاً در این تعریف تلقی از محیط زیست همراه با نسبت‌های فرهنگی و آداب و رسوم هر قوم و منطقه دیده شده است. تعریف چهارم در صدد توسعه مفهومی محیط زیست در دیدگاه اسلامی و نگاه قدسی به طبیعت و محیط زیست است و محیط زیست را نه تنها جهان طبیعت بلکه بر عوامل اداره‌کننده طبیعت و علل ماوراء طبیعی آن توجه دارد این نوع نگاه در واقع ریشه در تقسیم هستی به جهان امر و جهان خلق دارد: *أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ* (اعراف، ۵۴). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: اصطلاح «محیط زیست» می‌تواند به تمام مکان‌های روی زمین اشاره کند خواه توسط انسان ساخته شده است یا نه.

۳. نگرش آیه‌ای و قدسی به طبیعت و محیط زیست از منظر قرآن

توجه به محیط زیست و نگرش آیت و مقدس بودن آن و پرهیز از تخریب و ناسالم کردن آن از توصیه‌های اکید ادیان به ویژه دین مبین اسلام است؛ به همین جهت سفارش زیادی در جهت رعایت محیط زیست اعم از کوچه، بازار، منازل و محیط‌های بیرون از شهر شده است. در روایتی از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است خداوند دوست دارد اثر نعمتی که به بنده خود ارزانی کرده است را در او ببیند. پرسیدند این اثر چیست؟ فرمود هر فردی که لباس خود را پاکیزه نگاه دارد، خود را خوشبو کند و خانه خود را به نیکویی نگاه دارد و جلو منزل خود را رفت و رو کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۶/۷۶)

قداست محیط زیست و محیط پیرامونی زندگی انسان به حدی است که ثواب آن معادل با قرائت قرآن است: «من اماط عن طریق المسلمین ما یوذیم کتب الله له اجر قرائة اربعمأة آية، لكل حرف بعشر حسنات. هرکس از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار و اذیت رهگذران می‌شود برطرف کند خداوند اجر خواندن چهارصد آیه قرآن را در نامه عمل او می‌نویسد که ثواب قرائت هر حرف ده حسنه است.» (همان، ۵۰/۷۵)

باید به این نکته توجه داشت که منظور از راه که در روایت بالا آمده است خصوص مسیر زمینی نیست، بلکه شامل معبر دریایی و پل ارتباطی هوایی نیز می‌شود و مقصود از چیزی که آزار می‌کند خصوص موانع عبوری نیست، بلکه هر چه مایه اذیت عابران بوده و بعضی از مزایای سلامت یا نشاط جامعه را از بین می‌برد مانند بوی زباله، دود کارخانه، آلودگی صوتی و سنگینی ترافیک، مشمول سخن نغز آن حضرت است و رعایت اصول زیست‌محیطی همسان حرمت تلاوت متن مقدس دینی است، از اینجا به قذارت مقابل آن پی برده می‌شود و معلوم می‌شود که اگر دولت یا ملتی عمداً به فضای سبز و سالم و نشاط‌آور نیندیشد و از آلاینده‌های آن پرهیز

نکنند و منطقه زرین خداداد طبیعت را آلوده نمایند، قعر دوزخ جایگاه آنها خواهد بود.
(جوادی آملی، ۱۳۹۸ش، ۸۵)

۴. محیط زیست آیت خداوند

طبیعت و محیط زیست فعل الهی است و هر چیزی که به هر نوع و ترتیبی دارای رنگ الهی باشد امری مقدس است (همان، ۹۴) خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: صِبْغَةَ اللَّهِ و من احسن من الله صِبْغَةً (بقره، ۱۳۸) علامه طباطبایی معتقد است از آیات قرآن استفاده می‌شود که دین صبغه و روش اجتماعی است که خدای تعالی مردم را به قبول آن وادار نموده است؛ (موسوی همدانی، ۱۳۷۸ش، ۴/۱۹۲) بر این اساس هر چه که رنگ الهی داشته باشد امری مقدس است حتی امور عادی و طبیعی زندگی انسان می‌تواند رنگ قدسی و الهی بگیرد. بدون تردید یکی از جهات و رویکردهای امر قدسی نحوه تعامل با طبیعت و محیط زیست به عنوان فعل و آیت الهی است، از این رو هر نوع تعامل با محیط زیست گرچه در دستورات دینی به عنوان قوانین و مقررات اعتباری بیان شده است اما همگی ریشه در تکوین داشته و در نظام کیهانی از حقیقت برخوردار است.

با مرور اجمالی برخی آیات قرآن به روشنی معلوم می‌شود که خداوند متعال در قرآن مقام و جایگاه ویژه‌ای بر موجودات عالم طبیعت و محیط زیست قائل شده است، به عنوان نمونه به برخی از مصادیق موجودات محیط زیست اشاره می‌شود:

الف. از مصادیق و مظاهر روشن و بسیار مهم محیط زیست که بدون آن به یک معنا محیط زیست قابل زندگی برای انسان میسر نیست گیاهان هستند. خداوند متعال شأن و جایگاه گیاهان را در محیط زیست و طبیعت بسیار مهم شمرده است طوری که بر گیاهان یعنی به انجیر و زیتون قسم خورده است: وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ. (تین، ۹۵) سوگند خدا به این میوه‌ها از اهمیت و نقش زیاد آنها در زندگی حکایت دارد: الف. رشد میوه زیتون، بر اثر باران، از آیات خدا برای اهل تفکر است: يُثْبِتُ

لَكُمْ بِهِ الرَّزْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: خداوند برای شما با آن آب باران زراعت و زیتون و نخل و انگور و از همه میوه‌ها، می‌رویاند، همانا در این نشانه روشنی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. (نحل، ۱۱).

ب. دوران ثمردهی تا رسیدن میوه زیتون، شایسته تحقیق و مطالعه است: وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ: او [خدایی] است که از آسمان باران فروبارد، پس به وسیله آن گیاهان گوناگون رویانندیم. از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج ساختیم و از آنها دانه‌های متراکم پدیدار نمودیم و از شکوفه نخل خوشه‌ها با رشته‌های باریک بیرون فرستاد و باغ‌ها از انواع انگور و زیتون و انار، شبیه به یکدیگر و بی‌شباهت خلق نمودیم، هنگامی که میوه می‌کند به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه‌هایی برای افراد بالیمان است. (انعام، ۹۹).

ج. مطالعه در دوران ثمردهی تا رسیدن میوه زیتون، زمینه‌ساز خدانشناسی است: وَ مِنَ النَّخْلِ ... وَالزَّيْتُونَ ... انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (انعام، ۹۹). (هاشمی، ۱۳۷۳ش، ۴۷۲/۱۵)

د. فوائد و برکات گیاهان؛ گیاهان رکن اصلی حیات و زندگی را در کره زمین تشکیل می‌دهند و تمام موجودات زنده دیگر دست به دامن آنها دارند. فوائد گیاهان بسیار زیاد و فراوان است که فهرست‌وار می‌توان به دوازده فایده زیر اشاره کرد: بهترین ماده غذایی، تهویه و تولید اکسیژن، منبع لباس و پوشاک، خانه و اثاث خانه، منبع داروهای گیاهی، مهار کردن شن‌های روان، تهیه کاغذ، تعدیل گرما و سرما، تهیه وسایل نقلیه مانند کشتی، زیبایی و طراوت، منشأ انواع مهم انرژی، منبع انواع عطرها و مواد شیمیایی. خداوند است که این همه آثار و فوائد و برکات در این موجود

آفریده و آن را آیتی بزرگ از آیات علم و قدرت خویش قرار داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ۳۲۲/۲-۳۲۵)

ح. نشانه‌های او در عالم گیاهان و میوه‌ها؛ گسترده‌ترین موجودات زنده روی زمین گیاهان‌اند و از نظر تنوع و کثرت، عجایب و شگفتی‌ها و زیبایی‌ها و همچنین از نظر آثار مفید و ارزنده نیز در ردیف اول قرار دارند؛ به همین دلیل قرآن مجید در آیات توحیدی خود کراراً روی مسئله آفرینش گیاهان و ویژگی‌های مختلف آنها تکیه کرده است و انسان را به مطالعه اسرار این موجودات بدیع جهان آفرینش دعوت نموده. موجوداتی که تنها یک برگ آن می‌تواند دفتری از معرفت کردگار را ارائه دهد:

۱- «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ؛ آیا آنها به زمین نگاه نکردند چه مقدار در آن از انواع گیاهان آفریدیم. در این رویانیدن انواع نباتات نشانه روشنی است (بر وجود خدا) ولی اکثر آنها مؤمن نبوده‌اند.» (شعراء، ۷-۸).

۲- «أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا» اللَّهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُلُونَ؛ (آیات‌هایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمان و زمین را آفریده و برای شما از آسمان آبی فرستاد که با آن باغ‌های زیبا و سرورانگیز رویاندیم و شما قدرت نداشتید درختان آنان برویانید آیا معبود دیگری با خداست نه بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی) روی از خداوند و توحید می‌گردانند» (نمل، ۶۰) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ۲۹۶/۲)

۵. برآیند نگرش آیه‌ای و قدسی به محیط زیست

جنبش‌های محیط زیست بیشتر از همه به توسعه اخلاق زیست‌محیطی که یکی از پیشرفته‌ای هیجان‌انگیز در فلسفه معاصر است، توجه دارند. در این

جنبش‌ها به مسئله «تعهد» که در محدوده فلسفه اخلاق قرار دارد، توجه بیشتری می‌شود. (بکمن، ۲۰۱۷م، ۱۵) گرچه در رویکردهای اخلاقی و نگرش‌های حقوقی برخی از بحران‌های زیست‌محیطی قابل حل است، اما نگرش اساسی که زیرساخت مهم به شمار می‌رود نگرش و تفسیر طبیعت و محیط زیست به مثابه امر قدسی و آیت خداوند است. این نگاه زاویه دید و جهت نگرش انسان را به محیط زیست تغییر داده و در حل بحران‌ها راهگشا خواهد بود. محققانی که در حوزه حل بحران‌های زیست‌محیطی کار می‌کنند، در مباحث مربوط به حقوق بشر به مفهوم «کرامت انسانی» نیز تأکید دارند؛ این محققان در صدد توسعه مفهوم کرامت به عرصه حیوانات نیز هستند. این توسعه بر اساس مبانی خاص فلسفی انسان‌شناسی و جهان‌شناسی مغرب زمین صورت می‌گیرد؛ لکن در آنها سخن از کرامت و قداست محیط زیست به عنوان فعل و فیض پروردگار و نفحه الهی کمتر دیده می‌شود. با مرور اجمالی به منابع و متون اسلامی می‌توان موارد زیادی درباره کرامت و احترام به طبیعت اعم از حیوان و گیاه و رعایت حقوق آنها یافت، ولی آنچه در این مقاله بر آن تأکید می‌شود، گشایش پارادایم جدید درباره نگرش به محیط زیست از حیثیت قدسی است. طبیعت و محیط زیست مخلوق و فعل الهی است و از باب مناسبت و مسانخت علت با معلول، مخلوقات نیز بهره‌ای از قداست را دارند: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ؛ خداوند خالق همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیاء» (زمر، ۶۲)، «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؛ پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید.» (اعراف، ۵۴)

عده‌ای مانند «جان رادمن» فیلسوف آمریکایی معاصر با این پیش‌فرض که طبیعت دارای ارزش ذاتی است، در فلسفه محیط زیست فعالیت می‌کنند. به باور او هر نوع اخلاق زیست‌محیطی باید بر اساس ارزش‌های طبیعی و ذاتی بوده و ارزش ذاتی معیار اخلاقی است؛ بر این اساس اشیای طبیعی حتی بدون وجود ارزیابان انسانی دارای ارزش هستند. عده‌ای دیگر مانند «ریچارد روتلی» معتقدند

اشخاص طبیعی بدون انسان نمی‌توانند ارزشمند باشند. (ماتیوز، ۲۰۱۴م، ۵۴۳) در پارادایم مبتنی بر قداست و آیت و فعل الهی بودن، محیط زیست منهای انسان و منافع انسانی دارای ارزش ذاتی و هستی شناختی است که ما از آن به ارزش «قدسی و معنوی» محیط زیست تعبیر می‌آوریم. باید توجه کرد وقتی در اینجا از ارزش ذاتی سخن به میان می‌آید، دقیقاً به معنای ارزش ذاتی که «رادمن» و همفکران او میگویند نیست، بلکه چیزی فراتر از آن، یعنی ارزش ذاتی- قدسی است که بر اساس صدور و فیض و برخورداری از نفحه الهی تبیین می‌شود.

در اینجا به این نکته مهم باید توجه کرد که وقتی از قداست محیط زیست و عالم حیوان و گیاه سخن می‌گوییم، مراد این نیست که تنها حیوان و نبات فعل خدا و آیت حق‌اند، بلکه توجه به مزیت تکوینی و شرافت ذاتی کل طبیعت و محیط زیست است. نگرش‌های پوزیتیویستی و اقتدارگرایانه تکنولوژیکی هر چقدر هم بر طبیعت چیره شده باشد، هرگز نمی‌تواند عالم حیوان و گیاه و به طور کلی محیط زیست را ابژه‌ای تهی از روح قدسی و معنوی معرفی کند. تفسیر و تبیین طبیعت و محیط زیست منهای روح معنوی آن تعامل انسان با محیط زیست را به عرصه تسلط و اقتدار و مالکیت بر طبیعت و بهره‌کشی بیش از پیش از آن سوق داده، در نتیجه حیوان و نبات تهی از نفحه و غایت الهی و تنها ابزاری در جهت سود و منافع بشر خواهد شد؛ در نتیجه مسئله تعهد و مسئولیت در برابر محیط زیست که پس از بحران‌های گسترده‌ای که ناشی از نگرش سودجویانه و ملکیت بر محیط زیست مطرح شده است، به نظر می‌رسد مسائلی مانند مسئولیت در قبال محیط زیست با صبغه و نگاه ماتریالیستی در کنار بسیاری از قوانین اخلاقی و حقوقی که برای پیشگیری از خسارت‌های زیست‌محیطی تدوین شده است، تنها بخشی از مشکلات را سروسامان خواهد داد و برای حل اساسی مشکل چاره‌ای جز تغییر نوع نگاه به محیط زیست وجود ندارد. در منظر معارف اسلامی انسان مسئول و مدیر در برابر محیط زیست است و نه مالک آن.

۶. تسبیح موجودات از منظر قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ؛ و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست ولیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید» (اسراء، ۴۴). کلام خداوند متعال در این آیه اشعار به این دارد که علم و آگاهی در موجودات سریان و جریان دارد، زیرا تسبیح فرع بر آگاهی و شعور است، لذا هر کدام از موجودات طبیعت بهره‌ای از علم به مقدار بهره‌شان از وجود را دارند و لازم نیست که همه موجودات در علم و شعور داشتن مساوی باشند بنابراین هیچ موجود مخلوقی نیست مگر اینکه شعور دارد؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۱۱/۱۳) بر این اساس موجودات عالم طبیعت و سازندگان محیط زیست مانند حیوانات، گیاهان و حتی آب و خاک و هر آنچه در طبیعت است به اندازه سعه وجودی که دارند برخوردار از علم و آگاهی و شعورند، بنابراین انسان در تعامل با محیط زیست در واقع با موجودی باشعور در ارتباط است و همین مسئله یعنی شعور ارزش و اعتبار موجودات طبیعت را افزون کرده و از یک ابژه صرفاً فیزیکی و مادی خشک بیرون می‌آورد.

آقا محمدرضا قمشه‌ای در شرح فصوص قیصری (قیصری، ۱۳۷۵، ۵۰۸) توجه داده است که در آثار عرفانی بیشتر از طریق تسبیح و تنزیه و عشق حیوان و نبات بر زنده بودن نفوس آنها از طریق دلیل عرفانی و کشف صحیح و آیات قرآنی استدلال می‌شود و بالتبع می‌توان از طریق حیات و علم و آگاهی مسئله تجرد و برخورداری حیوانات و نباتات را از صبغه معنوی و روحانی نتیجه گرفت.

از سوی دیگر همان‌طور که گفته شد جهان آفرینش از جمله محیط زیست آیت پروردگار است: آنچه در آسمان و زمین و کوه‌ها و دریاها و عناصر و معادن و گیاهان و درختان وجود دارد همگی مخلوق خدای سبحان بوده و وجودشان و افعال و آثارشان مخلوق خداوند هستند. (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۹ق، ۲۴) موجودات یادشده به عنوان اسباب آسایش و آرامش انسان و نعمت خداوندی است: خداوند متعال در

آیه «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا؛ و خدا برای آسایش شما از گرما، سایه‌بان‌ها از درختان و سقف و دیوار و کوه‌ها مهیا ساخت.» (نحل، ۸۱)؛ بنابراین از منظر قرآن اسباب و اشیائی را که سبب ایجاد سایه هستند مانند کوه، درختان، ابرها، سقف‌ها و دیوارها را نعمت الهی هستند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ۲/۲۳۸)

۷. بهره موجودات طبیعت از هستی متافیزیکی

حکما و عرفا اتفاق نظر دارند که انسانی که در طبیعت زندگی می‌کند دارای دو بعد فیزیکی و متافیزیکی و یعنی روح مجرد و بدن مادی است، از دیدگاه حکمای حکمت متعالیه و غالب عرفا گیاهان و حیوانات نیز مانند انسان موجود زنده هستند و حیات و زنده بودن آنها وابسته به روح مجرد آنها است، بنابراین گیاهان و حیوانات نیز مرکب از دو بعد مادی یعنی بدن و بعد غیرمادی یعنی نفس یا روح هستند، در مباحث هستی‌شناسانه فلسفه و عرفان ثابت شده است که امر مجرد به لحاظ وجودی و حیث انتولوژیک در جایگاه و مقامی برتر از امر مادی قرار دارد و مجرد دارای مراتب و مقامات است با این حال شکی در این نیست که موجود مجرد در مرتبه برتر از موجود مادی قرار دارد حکما در بحث از مراحل آفرینش معتقدند پس از آفرینش مجردات یعنی عقول نوبت به آفرینش نفوس می‌رسد، در آفرینش موجودات دارای نفس و روح نیز ابتدا نفس انسانی و سپس نفوس حیوانات و پس از آن نفوس گیاهان آفریده می‌شوند. همه مراحل آفرینش بر اساس الاشرف فالاشرف انجام می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۵، ۳/۸)، بنابراین نفس حیوانی و گیاهی نیز همانند نفس انسانی امر وجودی است که بر اساس اصالت وجود حقیقت و عینیت خارجی داشته، در فرایند سلسله‌ای و شرافت وجودی آفریده شده و بر اساس تشکیک وجود از مراتب و درجات گوناگون از شدت و ضعف برخوردار است. ملاصدرا تصریح دارد که نفس امر قدسی بوده و بهره‌ای از ملکوت و مجرد را دارد، او نشان می‌دهد که گیاهان و حیوانات نیز مانند انسان دارای نفس و روح

هستند؛ با این تفاوت که وجود در مرتبه گیاهی بهره اندکی از تجرد و در مرتبه حیوانی و انسان بهره بیشتری از تجرد را داراست علامه طباطبائی تصریح دارد که تجرد دارای مراتب است: ان التجرد علی انحاء من القوة و الضعف.

۸. تجرد نفس حیوانی و نباتی

حکما برای اثبات اینکه علاوه بر انسان، حیوانات و گیاهان نیز از نفس مجرد برخوردار هستند ادله‌ای اقامه کرده‌اند شارح حکمت الاشراق می‌گوید: کارهای گوناگون و صنایع عجیب و اعمال شگفت‌آوری که از حیوان و گیاه دیده می‌شود، نشان می‌دهد که اینها نمی‌تواند از قوه‌ای که هیچ شعور و ادراکی ندارد، صادر گردد، بلکه از قوه‌ای مجرد از ماده که مدرک خود و دیگری است صادر می‌شود. (شهرزوری، ۱۳۸۵، ۵۷۰-۵۷۱). ملاصدرا در بسیاری از آثار خود از جمله در کتاب اسفار از طریق یادشده تدبیر نفس نباتی نسبت به قوا و افعالش را توجیه کرده است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸، ۶۳/۲). سخن نهایی ملاصدرا بر خورداری نفس نباتی از درجات تجرد ولو مرتبه بسیار ضعیف آن است. او تلاش می‌کند تصویری از نفس نباتی ارائه نماید که در آن نفس نباتی با نفس انسانی و حیوانی در آغازین مراتب تجرد قریب الافق هستند. اصول و مبانی فلسفی او مانند اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری زمینه‌ها و مبانی لازم را در اثبات مسئله در اختیار او قرار داده است. او معتقد است نفس نباتی صورتی برتر از ماده دارد به عقیده او این صور یعنی نفوس گویا از سنخ ماده برترند و برتری از دنائت ماده جسمانی شأن نفس است؛ زیرا نفس بهره‌ای از ملکوت و تجرد را هرچند در مرتبه اندک داراست (همان، ۱۶/۸-۱۷).

آقا علی مدرس شارح بزرگ حکمت متعالیه، سخنان ملاصدرا را به نفع تجرد نفس نباتی معنا کرده است. به عقیده او وقتی ملاصدرا می‌گوید اولین آثار حیاتی نفس در گیاه، تغذیه و رشد و نمو و تولید مثل و... است، مقصود او از این

آثار تجرد و ترفع نفس از مرتبه هیولای اولی است، هرچند این ترفع و تجرد بسیار ضعیف و اندک باشد (مدرس، ۱۳۷۸، ۵۸۸) از سوی دیگر به عقیده صدرالمتألهین نفس گیاهان با عالم ملکوت مناسبت و سنخیت دارد. او در اسفار می‌گوید: «وَ عِنْدَنَا أَنَّ الْوُجُودَ مَطْلَقاً عَيْنُ الْعِلْمِ وَ الشَّعُورِ مَطْلَقاً وَ لِهَذَا ذَهَبَ الْعَارِفُونَ إِلِلَّهِيُونَ إِلَى أَنَّ الْمَوْجُودَاتِ كُلَّهَا عَارِفَةٌ بِرَبِّهَا سَاجِدَةٌ لَهُ كَمَا دَلَّ عَلَيْهِ الْكِتَابُ الْإِلَهِيُّ لَكِنَّ الْوُجُودَ إِذَا خَلَصَ عَنِ شُوبِ الْعَدَمِ وَ الظُّلُمَاتِ يَكُونُ الْإِدْرَاكُ بِهِ وَ لَهُ عَلَى التَّمَامِ وَ وَجُودِ الْمَادِيَّاتِ مَمْرُوجٌ بِالظُّلُمَاتِ وَ الْحُجُبِ مَغْمُورٌ فِي الْأَعْدَامِ وَ النِّقَاصِ وَ بِقَدْرِ ارْتِفَاعِهَا وَ ارْتِبَاطِهَا بِالْمَبَادِي الْعَقْلِيَّةِ وَ النَّفْسِيَّةِ الْمَجْرَدَةِ عَنِ الْمَوَادِّ وَ الْأَعْدَامِ يَكُونُ وَصُولُهَا إِلَى مَقَامِ الْحَيَاةِ وَ الْإِدْرَاكِ وَ يُشَبَّهُ أَنْ يَكُونَ النَّفُوسُ النَّبَاتِيَّةُ مَعَ كَوْنِهَا صَوْرًا مَغْمُورَةً فِي الْمَوَادِّ هِيَ أَقْرَبُ مَنَاسِبَةً إِلَى عَالَمِ الْمَلَكُوتِ مِنْ صُورِ الْعُنَاصِرِ وَ الْمَعَادِنِ» (صدرالدین شیرازی؛ ۱۳۷۸، ۱۶۴/۸). وجود به‌طور مطلق عین علم و شعور است و به همین خاطر عارفان الهی معتقدند که همه موجودات پروردگارش را می‌شناسند و بر او سجده می‌کنند همان‌طور که قرآن بدان دلالت دارد؛ ولی وجود وقتی که از شوب عدم و تاریکی‌ها خالص گردید، ادراک پروردگار به نحو تمام خواهد بود. وجود مادیات با ظلمات و پرده‌ها آمیخته و منغم در عدم‌ها و کاستی‌ها هستند و به اندازه ارتفاع و برتری و ارتباطشان با مبادی عقلی و نفسی که مجرد از مواد و عدم‌ها هستند، به مقام حیات و ادراک واصل می‌شوند و گویا نفوس نباتی هرچند که صورت‌هایی هستند که منغم در موادند، نزدیک‌ترین مناسبت را به عالم ملکوت نسبت به صور عناصر و معادن دارند.

از این سخنان نتیجه می‌توان گرفت که گیاهان و حیوانات که بخش عمده اشیاء محیط زیست را تشکیل می‌دهند موجوداتی هستند که به لحاظ جایگاه وجودی در افقی برتر از ماده قرار دارند و هر آنچه که در افقی برتر از ماده قرار داشته باشد جایگاه او برتر خواهد بود و به لحاظ وجودی از ارزش والاتری برخوردار است.

۹. محیط زیست الهی و معنوی

بر اساس آنچه که گفتیم متعلقات محیط زیست از یک طرف آیت و نشانه و فعل پروردگار هستند، از سوی دوم برخوردار از شعور و آگاهی بوده و از مسبحین‌اند و از سوی سوم در افق مجردات قرار داشته و به لحاظ وجودی برتر از جمادات‌اند، با توجه به این سه جهت توجه و تحلیل محیط زیست حداقل از زاویه حیوانات و گیاهان تفسیر جدیدی پیدا کرده و می‌توان علاوه بر محیط زیست طبیعی از محیط زیست الهی و معنوی نیز سخن گفته و دیدگاه تازه‌ای را در مباحث زیست‌محیطی ایجاد نمود و از ثمرات و نتایجی که این نگاه در حل بحران‌های زیست‌محیطی می‌تواند ارائه دهد سخن گفت و این پرسش را مطرح کرد: آیا بر اساس این پارادایم می‌توان تفسیری متفاوت از ماهیت زیست و محیط ارائه کرد؟ و... پاسخ به این پرسش دانشی به نام محیط زیست اسلامی را تشکیل خواهد داد. شاکله این دانش بر اساس نگاه الهی و قدسی به محیط زیست بنا شده است؛ چیزی که در محیط زیست غرب مورد غفلت یا تغافل قرار گرفته است. «تباهی محیط زیست نشئت گرفته از این قضیه است که از دیدگاه بشر امروز، محیط زیست او جدا و مستقل و حتی منفک از محیط زیست الهی انگاشته شده است» (محقق داماد، ۱۳۹۳، ۲۵). در این پارادایم طبیعت به عنوان امر جاندار و باشعور و دراک است که ناظر بر رفتار آدمی است و نه تنها اسیر امیال و تصرفات سودجویانه انسان نیست، بلکه متناسب با حیطه وجودی خود از هستی بهره‌مند بوده، از نابودی در درد و رنج به سر می‌برد و مسلم است که احساس درد و رنج با قول به تجرد نفس، ولو در مرتبه ضعیف قابل تبیین است. امروزه برخی شواهد علمی و تجربی محققان درباره گیاهان مؤید وجود آگاهی و غایت و احساس و درک لذت و الم در برخی گونه‌های گیاهی است. برخی

زیست‌شناسان با به‌کارگیری دستگاه‌های الکترونیکی «گالوانومتر» دریافته‌اند گیاهان هنگام آبیاری حس لذت و شادکامی را از خود بروز می‌دهند. باکستر یکی

از دانشمندان است که سعی کرد با اتصال دستگاه پلیگراف به برگ گیاه و سپس نزدیک کردن شعله آتش به برگ گیاه واکنش آن را مشاهده کند. وقتی شعله آتش را برای سوزاندن برگ نزدیک کرد، علامت سنج دستگاه پلیگراف در یک حالت ناگهانی و حزن‌انگیز به سوی بالا پرید. او پس از این آزمایش و آزمایش‌های دیگری که روی قسمت‌های مختلف گیاه از جمله میوه آن انجام داد، به این عقیده رسید که ادراک مافوق احساس در گیاه در یک سطح سلولی جایگزین شده است و سپس نظریه تجربی ادراکی مرموز نباتات را ارائه کرد.

نتیجه‌گیری

۱. در حوزه بنیان‌های فلسفی و قرآنی محیط زیست می‌توان با پارادایمی جدید به تحلیل وجودشناسی طبیعت و محیط زیست از جمله گیاه و حیوان پرداخت و با رهیافتی آیتی و قدسی از بنیان متافیزیکی جدید در فلسفه محیط زیست سخن گفت.

۲. بحران‌های زیست‌محیطی نه تنها از طریق مهندسی محیط زیست و نه تنها از طریق مبانی و اصول اخلاقی و حقوقی، بلکه از طریق تحلیل ماهیت محیط زیست به عنوان آیت و فعل خداوند قابل حل است

۳. نگرش قرآن کریم به محیط زیست و طبیعت نگاه قدسی و آیتی است. در این نگاه طبیعت و محیط زیست فعل پروردگار و صنع او است لذا از شرافت ذاتی و معنوی برخوردار است؛ بر این اساس نوع نگاه و تعامل انسان با طبیعت و محیط زیست باید از این زاویه و دریچه باشد.

۴. حیوان و نبات که بخشی از محیط زیست را تشکیل داده‌اند، به لحاظ برخوردار از مراتب تجرد جوهر وجودی‌شان برتر از موجود مادی است؛ بر این مبنا نگرش انسان به این بخش از محیط زیست از نگرش مادی و ماتریالیستی به نگرش قدسی و الهی ارتقا می‌یابد؛ از این رو نمی‌توان مانند نگرش‌های پوزیتیویستی و تکنولوژیکی حیوان و گیاه را ابژه‌ای تهی از روح قدسی و معنوی معرفی کرد. تفسیر

محیط زیست منهای روح معنوی آن محیط زیست را به عرصه تاخت و تاز و تسلط و مالکیت و بهره‌کشی انسان سوق داده، حیوان و نبات را تهی از نفحه و غایت الهی و تنها ابزاری در جهت سود و منافع بشر قرار خواهد داد؛ در نتیجه مسئله تعهد و مسئولیت در برابر محیط زیست که پس از بحران‌های گسترده‌ای که ناشی از نگرش سودجویانه و ملکیت بر محیط زیست مطرح شده است، تنها به سمت و سوی تعهد و مسئولیت انسان در برابر موجود و ابژه مادی سوق یافته و عالم حیوان و نبات همچنان فاقد روح قدسی خواهد شد. این تفسیر لوازم گوناگون داشته و به بحران‌های زیست‌محیطی دامن خواهد زد.

۶. بررسی‌های آزمایشگاهی و شواهد تجربی نشان‌دهنده وجود اموری مانند لذت و الم و فعل و انفعالات دیگر در عرصه گیاهان است. از این یافته‌ها می‌توان در قالب منطق قیاسی به عنوان ادله برای اثبات ادراک و شعور نبات و در نتیجه تجرد آن بهره گرفت؛ لکن این یافته‌ها هنوز در مرحله خام قرار داشته، تنها می‌تواند به عنوان مؤید دلیل عقلی باشد.

منابع

۱. آشتیانی، سید جلال‌الدین، ۱۳۷۸، *منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. اعجازی، علیرضا، ۱۳۷۸، *مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست*، تهران: سازمان محیط زیست.
۳. پوراسماعیل، یاسر (مترجم)، ۱۳۹۳، «خفاش بودن چه کیفیتی دارد»، در: *تامس نیگل (ویراستار)، نظریه کارکردگرایی در فلسفه ذهن (مجموعه مقالات)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. تبریزی، رجبعلی، ۱۳۸۶، *الاصول الاصلی (اصول آصفیه)*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۵. جارویس، پیتز جی، ۱۳۸۷، **مبانی بوم شناسی و مسائل محیط زیست**، ترجمه مظفر شریفی و محمد غفوری، مشهد: جهاد دانشگاهی.
۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، **شرح جلد ۶ اسفار، بخش سوم از جلد ششم**، تهران: الزهراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۸، **اسلام و محیط زیست**، قم: نشر اسراء.
۸. حجار لیب، لیندا، ۱۳۹۶، **حقوق بشر و محیط زیست دورنمای فلسفی، نظری و حقوقی**، ترجمه رضا امینی، تهران: سمت.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۱۹ق، «**بحوث قرآنیة فی التوحید و الشرک**»، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام).
۱۰. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، ۱۳۷۳، **مجموعه مصنفات شیخ اشراق**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. شهرزوری، شمس‌الدین، ۱۳۸۵، **رسائل الشجرة الالهية فی علوم الحقائق الربانية**، تهران: موسسه حکمت و فلسفه ایران.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
۱۳. قیصری، داود، ۱۳۷۵، **شرح فصوص الحکم**، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، **بحار الانوار**، بیروت: الوفاء.
۱۵. محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۹۳، **الهیات محیط زیست**، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۱۶. مدرس، آقاعلی، ۱۳۷۸، **مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقاعلی مدرس طهرانی**، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، **پیام قرآن**، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۶ق، **نفحات القرآن**، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۱۹. موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۸ش، **ترجمه تفسیر المیزان**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۰. نیگل، تامس (ویراستار)، ۱۳۹۳، **نظریه کارکردگرایی در فلسفه ذهن (مجموعه**

مقالات)، ترجمه یاسر پوراسماعیل، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۱. هاشمی، اکبر، ۱۳۸۳، **فرهنگ قرآن**، قم: بوستان کتاب.

22. Beckman, Tad, 2017, "Some Essays in Environmental philosophy", Amazon Kindle E-book.

23. Mathews, Freya 2014, "Environmental Philosophy: A History of Australasian Philosophy", Springer.